



۲۰۱۸/۰۵/۱۰

میر عبدالرحیم عزیز

یورش سیاسی و نظامی روسیه در افریقا

تاریخ نشر نخست: ۲۰۱۶/۱۰/۱۵

یادداشت نویسنده: نسبت آغاز کار دور چهارم پوتین رئیس جمهور روسیه، این مضمون را که در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۶ تحریر نموده بودم، دوباره خدمت هم میهنان عزیز تقدیم می نمایم. یورش امپریالیستی روسیه در شرق میانه، افریقا و اروپای شرقی که با به قدرت رسیدن پوتین در سالیان اول قرن ۲۱ آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. بنابراین تجدید چاپ این مضمون را لازم دانستم. بایست یادآور شد که تجاوزات پی در پی ناتو سهم خود را در عروج پوتین بازی کرده است.

مسکو بیش ازین صرف در سوریه بسنده نمیکنند، بلکه اکنون یورش سیاسی و نظامی اش جهانشمول شده است. روسیه در امریکای لاتین، شرق دور و افریقا مانند دوران جنگ سرد بین شرق و غرب دهه های قرن ۲۰ عمل می نماید. روسیه دیگر آن روسیه یالشتین نیست که تجاوزات غرب را نادیده بگیرد و دست روی دست بگذارد. مسکو در سوریه ثابت ساخت که توانایی هر نوع رویارویی را با امریکا و ناتو دارد. کمترین سوء محاسبه بین امریکا و روسیه در سوریه باعث بروز یک جنگ اجتناب ناپذیر بین این دو قدرت جهانی خواهد شد که ابعادش در شرق میانه محدود نخواهد ماند. خالی از دلچسپی نیست که نیات روسیه را در افریقا مورد ارزیابی قرار دهیم و مشاهده نمائیم که هدف مسکو از گسترش نفوذش در افریقا خاصاً شمال این قاره چه خواهد بود. قابل یادآوری است که دو اصل عمده، سیاست خارجی روسیه پوتین را می سازد: **ناسیونالیسم روس و احیای عظمت طلبی سوسیال امپریالیسم شوروی**. خواهی نخواهی تطبیق این دو اصل در صحنه عمل روسیه را با امپریالیسم غرب در تقابل قرار میدهد و سالیان دوران جنگ سرد را احیاء می کند.

روسیه آرزو دارد که به قاره سیاه برگردد و مانند دوران جنگ سرد بین شرق و غرب، دوباره به قدرت نمائی آغاز نماید. قدم اول مصر است که شوروی سابق از همین کشور با سرشکستگی خارج ساخته شد و انورالسادات رئیس جمهور وقت مصر به عوض، امریکا را جانشین شوروی ساخت. این بزرگترین ضربه به حیثیت شوروی آن زمان بود که بعداً افغانستان قربانی آن شکست روسیه در مصر گردید. حال روسیه می خواهد که دوباره به مصر برگردد و از همین کشور به یورش های سیاسی و نظامی خود در قاره افریقا آغاز نماید. راه طولانی و دشوار است، اما روسیه مصمم است که به هر نوحی که شده موانع سیاسی از سر راه بر دارد. روسیه هم اکنون با مصر در حال مذاکره است که بتواند از مراکز نظامی مصر استفاده نموده و در صورت موافقت دو جانبه وسایل نظامی خود را انتقال دهد. یکی ازین مراکز بندری در نزدیکی شهر سیدی بارانی در مجاورت سرحداث مصر با لیبیا قرار دارد که زمانی پایگاه نظامی شوروی بود. اگر روسیه به این مرکز نظامی دسترسی کامل بیابد، همه فعالیت های غرب را در لیبیا زیر نظر خواهد گرفت و گروه های ضد غرب به شمول حامیان قذافی را که هنوز هم در فعالیت اند،

کمک خواهد کرد. ناتو خصوصاً فرانسه و امریکا از توافق مصر و روسیه در واگذاری این مرکز نظامی به روسیه سخت نگران اند و هراس دارند از اینکه روزی صحنه سیاسی و نظامی لیبیا مانند سوریه عوض گردد. مرکز نظامی سیدی بارانی مانند بندر تارتوس در سوریه ارزش ستراتیژیک دارد و روسیه را قادر میسازد تا در بحیره مدیترانه آزادی عمل بیشتری پیدا نماید. نسبت کشتش در روابط واشنگتن و قاهره، امریکا قادر نخواهد بود مانع همکاری نظامی روسیه و مصر گردد. مصر درین اواخر مقدار عظیم اسلحه از روسیه خریداری نموده که برای مدتی موجودیت نظامیان روسیه را برای مصر حتمی می سازد.

تشنج در روابط مصر و امریکا به ارتباط بحران این کشور ناشی از "بهار عرب"، اعطای کمک های نظامی و مالی امریکا به مصر را تحت تاثیر قرار داده است. این حالت بهترین فرصت را برای روسیه میها ساخته تا داخل تیتر مصر گردد. نباید فراموش کرد که مصر دروازه شمال افریقا است. جان کندی گفته بود "بدون فتح قاهره، فتح افریقا ناممکن است". مایوس از روش امریکا، مصر هم به روسیه روی آورد و در یک قلم قرار داد وسیع نظامی را با روسیه به امضاء رسانید که شامل طیارات میگ ۲۹، هیلوکوپتر ها، سیستم دفاع هوایی مدرن و کشتی های جنگی است که تا ماه اخیر سال جاری به مصر ارسال خواهد شد. ارسال این مقدار عظیم وسایل جنگی ایجاب می نماید که تعداد زیادی از پرسونل روسیه هم به مصر اعزام شوند که درین صورت مراکز نظامی گذشته باید احیاء گردد و یا از نو اعمار شود. روسیه و مصر همچنان به توافق رسیدند که فابریکه های اسلحه سازی مصر بازسازی گردد و تولیدات نظامی داخلی اش تقویت یابد. مهم تر از همه و دردآور تر برای امریکا، مصر و روسیه موافقت کردند که گاه گاهی تمرینات نظامی مشترکی را به راه اندازند. همکاری نظامی بین مسکو و قاهره هیچ گونه شرایط سیاسی را برای مصر پیش کش نکرده است که مانعی در عمل ایجاد کند. در واقعیت خطای سیاسی امریکا سبب شد که روسیه خود را در مصر دوباره بباید و راهش برای یورش های بعدی در سایر کشور های افریقائی و شرق میانه باز گردد. اکنون روسیه سه پایگاه نظامی در سوریه دارد که با ارسال دفاع هوایی اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰ آنها را تقویت می نماید. روسیه عملاً غرب را نه تنها در سوریه بلکه در کل بحیره مدیترانه به مبارزه طلبیده است.

آشتی روسیه و مصر باعث شده است که یک تعداد از کشور های "عرب" شمال افریقا مانند مراکش هم به مسکو رو آورند. شاه مراکش چند ماه قبل به روسیه سفر کرده بود که منتهی به عقد چند قرار داد نظامی شد. مراکش علاقمندی خود را به طیارات سو ۳۴ و تحت البحری های امور ۱۶۵۰ ابراز داشته که مورد پذیرش روسیه واقع شده است. روسیه همچنان به مراکش وعده داده است که بنادر نظامی مراکش را بازسازی نماید. باوجود اختلاف نظر بین این دو کشور به ارتباط بحرانات سوریه و یمن، همکاری نظامی بین مراکش و روسیه فضای سیاسی منطقه را به نفع مسکو تغییر داده که یکی هم نزدیکی روسیه با الجزایر است. روسیه و الجزایر به توافق رسیدند که مسکو به مبلغ بیش از ۷ بیلیون (میلیارد) دالر اسلحه به شمول تانک های تی ۹۰ اس، طیارات جنگنده سو ۳۰ و تحت البحری های از نوع "کیلو" به الجزایر بفرستد و تانک های تی ۷۲ این کشور را از حالت فرسودگی نجات دهد. ناگفته نباید گذاشت که این قرار داد ها برای مصر و الجزایر شاید صرفاً سیاسی و نظامی باشد، لکن برای روسیه یک نیروی اقتصادی است که چرخ صنعتی نظامی این کشور را به دوران می اندازد که در حال حاضر سخت به آن نیازمند است.

کشور دیگر افریقائی، تونس است که اخیراً همکاری با روسیه را زیر نظر دارد. سماجت روسیه در سوریه، تونس را جرأت داده است که نزدیکی با این کشور را آغاز نماید و در رویانی با فعالیت های تروریستی مورد حمایت غرب از مسکو کمک بخواهد. تونس چندین بار مورد حملات گروه های تروریستی مانند القاعده قرار گرفته و متحمل تلفات شده است. کشور های اسلامی شمال افریقا یکی از محلاتی است که سازمان های تروریستی خود را در آن جا متمرکز ساخته اند. تونس هم جزء همان کشور هاست که بار ها آماج حملات تروریستی واقع شده است. اگر تصور کنیم که شاید هم این تصور درست باشد که یک

عده از سازمان های تندرو اسلامی که در شمال افریقا فعالیت دارند که از حمایت غرب برخوردار اند، دعوت روسیه در کمک به کشور های مورد نظر معنای خاص خود را دارد: **صف آرائی جدید علیه غرب در پخش نفوذ در افریقا.**

حوزه خلیج در شرق میانه فراموش روسیه نشده است. دیپلمات ها روسیه در عراق و قطر مصروف عقد قرارداد های نظامی اند تا مسکو بتواند به کشور های این منطقه اسلحه بفروشد و عایدی بدست آورد. بر مبنای یورش سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه در شرق میانه و شمال افریقا، روسیه توانسته است که بیش از ۳۶ فیصد اسلحه مورد ضرورت کشور های مورد نظر را تهیه نماید. با در نظر داشت مدت زمان دخول روسیه در شرق میانه و شمال افریقا، این یک رقم درشت برای صادرات تسلیحاتی روسیه محسوب شده و موفقیت بزرگی را برای سیاست خارجی روسیه نشان میدهد.

طوریکه در پنج سال اخیر مشاهده کرده ایم، جهان به سوی جنگ سرد دوم روان است. این بار هم غرب و روسیه "خلف شوروی" در تقابل اند. ایدئولوژی "سوسیالیستی" جای خود را به "ناسیونالیسم" روسیه خالی کرده است. به هر اندازه ای که غرب جسورتر و بیباک تر شود، روسیه هم نارام تر و عصبانی تر خواهد شد. روسیه سعی می کند که عظمت دوره شوروی هم در داخل و در هم خارج احیاء گردد. بر مبنای این روش، تصادم دیپلماسی و یا شاید هم نظامی بین غرب و روسیه ناگزیر خواهد بود و در نتیجه جنگ سرد دوم با تمام قوت در سطح جهانی گسترش خواهد یافت.

